

عنوان مقاله:

کانت و جعل معنای زندگی در دوره مدرن

محل انتشار:

فصلنامه نقد و نظر، دوره 22، شماره 86 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

قدرت اله قربانی - دانشیار فلسفه دانشگاه خوارزمی، تهران

خلاصه مقاله:

پرسش از معنای زندگی از منظر کانت به عنوان یکی از فیلسوفان تاثیرگذار در عصر مدرنیته اهمیت زیادی دارد، زیرا او در بخش های مهم فلسفه اش، یعنی معرفت شناسی، اخلاق و فلسفه دین به پرسش های مهم معنای زندگی پاسخ های مشخصی می دهد که پس از او بسیار تاثیرگذار بوده است. کانت با اتکا به معرفت شناسی و هستی شناسی انسان محور، در نظام معرفت شناسی اش، معناداری را تنها به قلمرو ماده و علوم تجربی محدود می کند و آن را از مابعد الطبیعه سلب می کند. سپس در نظریه اخلاقی خود با اتکا بر انسانی که اساس و غایت اخلاق است، برای امور مابعد الطبیعی همچون خدا، جاودانگی نفس و اختیار، پاسخ اخلاقی تدارک می بیند و با این زمینه، دین را متکی بر انسان کرده، تلاش دارد تا با اولوهِیت زدایی از دین آن را به دینی کاملاً انسانی و مطابق عقلانیت بشری تبدیل کند که در آن خدا کاملاً خدمتگذار تمایلات انسان است. نتیجه تفکر کانت در نگاه اول جعل معنای نوری برای زندگی انسان است، اما افراط در انسان محوری و تفسیرهای بشری از اخلاق و دین، در نهایت اخلاق و دین را متکثر و نسبی ساخته و کارآمدی آنها را برای پاس خدای به پرسش های بنیادین بشر و تأمین سعادت واقعی از دست می دهد که همان بی معنا شدن زندگی انسان مدرن است.

کلمات کلیدی:

معنای زندگی، انسا محوری، اخلاق، دین، خدا، سعادت، انسان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/836224>

